

" ریشه های خرافات در اسلام " 2

دیروز به نقش تازینامه در نشر خرافات پرداختیم و در ادامه گفته ها ، بررسی ریشه های خرافات را با گفتاری در مورد سنت ادامه می دهیم.

ب : نقش سنت

منظور از سنت در بین اهل تسنن عبارت از تمام مطالبی است که محمد در زمان حیات خود از قول الله پاریسی نقل کرده و یا به آن عمل کرده و اکنون توسط پیروان او روایت می شود.

ولی در مورد شیعیان قضیه فقط به یادآوری فرامین محمد ختم نمی شود و پای دوازده امام دیگرهم در میان است.

از سویی دیگر آخوندها و کارگردان های انتشار خرافه پردازی در طول 1400 سال گذشته ، به گفته های محمد و امامان هم اکتفا نکرده و موضوع را به قبل از تولد محمد مرتبط می نمایند و در واقع حکم رسالت محمد را حتی قبل از الله به ایشان تفیض می نمایند .

شنیده اید که الله پاریسی ، محمد را در چهل سالگی به پیامبری بر گزید و قبل از آن تاریخ هیچ نام و نشانی از محمد و رسالت او نبوده ، ولی حواریون او می گویند وقتی محمد به دنیا آمد ، صدها اتفاق عجیب و غریب رخ داد و ماه دو نیم شد! و تعداد زیادی چرندیات دیگر که فقط انسانهای ما قبل تاریخ و بعضی از ایرانیان مسخ شده می توانند به دنبال این یاوه گوئها باشند.

می گویند قریب از محمد برای اثبات پیامبری معجزه ایی خواست و او آیه ای نازل کرد که میگفته: **" معجزه محمد ایجاد قحطی و از بین بردن آن است."** کاری که خامنه ایی هم بلد است. هر وقت رای کم بیاورند ، دستور می دهد تا اب و برق مردم را قطع کنند تا قدر عافیت را بدانند . معجزه بعدی او آوردن انگور و انار از بهشت است ، که محمد را از سایر پیامبران متمایز می کند!

باز هم جای شکرش باقیست که از بهشت حوری وارد نکرده !

با نگاهی کوتاه به وقایع دوران محمد می بینیم که قریشیان در زمانیکه محمد 35 ساله بوده ، کعبه را خراب می کنند و آنرا از نو می سازند و بعدها محمد بی اندازه مایل بوده که مسلمین به سوی مکه نماز بخوانند و از اورشلیم روی برگردانند بنابراین با نزول آیه ای خود را از سرزنش یهود که میگفتند خدایت خانه ندارد تا به سوی او نماز بگزاری ، نجات میدهد .

آیه 139 بقره : ما می بینم که همیشه گردنت را بسوی آسمان کج کرده ای ، پس هر آینه عطا می فرما یم ترا قبله ایکه می خواستی

این آیه 15 سال بعد از دریافت حکم رسالت بر محمد نازل می شود. بنا براین هیچ نگران نباشید اگر مناری دزدیده آید و قبلا برای مخفی کردنش چاهی نکرده آید.

ظاهرا در منش الهی هم مشکلات قبلا پیش بینی نمیشوند تا علاج حادثه را قبل از وقوع کنند! مسلمین برای مدت 15 سال بسوی اورشلیم نماز می خواندند و یهودیان حاضر نبوده اند که قبله گاه خدای خویش را با خدای محمد شریک شوند ، در نتیجه 15 سال تو سری و منت یهودیان و گردن کج کردنهای محمد بالاخره الله را به این فکر می اندازد که برای منار دزدی محمد چاهی فراهم کند.

و اما محمد در 25 سالگی با خدیجه، بیوه 40 ساله ثروتمند و دوست بسیار نزدیک سلمان پارسی در سال 6188 از هبوط آدم و بنا به پیشنهاد و خواسته سلمان ازدواج می کند و پرداخت مهریه را هم خدیجه خودش متقبل می شود:

بنا براین ، مهریه یکی از سنتهای برده فروشی و یا معامله زنان در بین اعراب بوده و ربطی به اسلام ندارد چون در این زمان محمد هنوز ادعای پیامبری نکرده بود و اسلامی هم در کار نبوده !!!!!

(درباره روابط و دوستی سلمان پارسی با خدیجه ، بزودی گزارش کاملی به بینندگان محترم و یاران انجمن ارائه خواهم داد.)

21 سال بعد یعنی در 6209، خدیجه در سن 61 سالگی باردار می شود و فقط چهار سال قبل از مرگش فاطمه را دنیا می آورد ! که ایهم یکی یگر از معجزات الله بوده است!

در سال 6213 خدیجه میمیرد و 6214 محمد در سن 51 سالگی با سوده ازدواج می کند و در همان موقع با عایشه دختر ابوبکر (سردار سپاه اسلام) هم که در سن 6 سالگی بود ازدواج میکند و زمانیکه عایشه 9 ساله می شود، محمد در سن 54 سلگی با او به حجله می رود .

در سال 6217 رقیه دختر محمد که همان سال به عقد عثمان ابن عفان 67 ساله درآمده بود از ترس می میرد، ولی مورخین اسلامی میگویند از بیماری جان سپرد . (رقیه قبل از عثمان زن پسر ابو لهب بوده است).

بعد از او ام کلثوم دختر دیگر محمد به عقد عثمان ابن عفان درآمد. (ام کلثوم هم قبل از عثمان زن پسر ابو لهب بوده است) که در شب حجله طاقت نیاورده و او هم جان خود را از دست می دهد.

چرا محمد هر دو دختر خود را اول به پسر ابلهب و بعد هم به عثمان ابن عفان داده ، خود داستان دیگرست ، ولی می بینید که محمد دخترانش را زنده به گور نمی کرده بلکه آنها را معامله و زنده زنده بدست مردان شهوت ران وحشی به بهشت فرستاده !

حدود 5 سال بعد ازدواج دیگر محمد با حفصه دختر عمر (سردار دیگر سپاه اسلام) که 26 سال داشت رخ می دهد و يك ماه بعد از آن او با زینب دختر خزیمه ، (سردار دیگر سپاه اسلام) ازدواج می کند.

معلوم می شود که سردارن سپاه اسلام هم برای حفظ مقام خود ، دختران خود را یکی بعد از دیگری تقدیم کرده اند !

پس در این سن محمد فقط دو دختر به نام های زینب و فاطمه داشته، دو نوه بنامهای حسن و حسین و چهار زن که عایشه یکی از آنها و در سن 11 سالگی بود. فرزندان دیگر او به نام های طاهر و قاسم و ام کلثوم و رقیه همه مرده بودند. کسی که مرده را زنده می کرده نتوانست يك پسر را برای خودش زنده نگه دارد تا حکومت او بدست عمر نیافتد!

در سال 6220 مصادف با چهارم هجری محمد با ام سلمه و 6221 مصادف با پنجم هجری با زینب ، دختر جحش، ازدواج کرد و در این سال آیه حجاب را نازل نمود یعنی ایکه مسلمانان تا 18 سال بعد از رسالت محمد بی حجاب بوده اند و الله نیز برای مدت 18 سال با حجاب هیچ مشکلی نداشته !

ازدواج های محمد تمامی نداشت و در سن 60 سالگی با ام حبیبه دختر ابو سفیان یعنی دختر پسر عمویش ازدواج کرد. از انجایی که یزید و معاویه پسران ابوسفیان هستند ، در نتیجه از يك طرف برادران زن محمد و از طرف دیگر پسران پسر عموی محمد هم میباشند. معاویه نیز پسری به نام یزید داشت که نوه پسر عموی محمد و فرزند برادر زن محمد است که با حسین پسر علی ابن ابوطالب و نوه محمد تازی بر سر خلافت جنگید. می بینیم که کل ماجرا یک دعوی خانوادگی بر سر رسیدن به قدرت بوده و بس .

و اما محمد به همین تعداد هم اکتفا نکرد و به غیر از ام هانی خواهر علی فرزند ابوطالب و زینب ، زوجه زید یعنی زن پسر خوانده اش و بسیای دیگر را به ازدواج خود درآورد و تعداد زیادی هم کنیز در املاک خود داشته که از ان جمله کنیزی جنجالی به نام ماریه قبطیه است که پادشاه اسکندریه از ترس جان خود او را به محمد هدیه کرده بود. اما در مورد ازدواج محمد با زن پسر خوانده اش مطالبی گفته شد که محمد را خوش نیامد، پس آیه ایی بشرح زیر نازل کرد تا دهان دشمنان را ببندد: **لطفاً به این آیه مقدس توجه کنید !**

سوره 33 آیه 37 : همینکه زید از خیر زنش گذشت ، پس ما ازدواج کردیم تا نباشد باکی بر مومن که با زن پسر خوانده اش ازدواج کند....
* اینهم ، نمونه دیگری از آموزش فرهنگ اسلامی از محمد به جوانان مسلمان .
دختری را بگیرد و پس از مدتی به پدر خود واگذار کنید !

هم وطنم ، اگر که هنوز مدافع شرافت ملی خود هستید، بپا خیزید تا به دور از تعصب کور کورانه بار دیگر در آنچه که سینه به سینه و بنام سنت به ما تحمیل شده باز نگری کنیم که راه نجات میهن عزیزمان را با پی بردن به اشتباهات گذشتگان خواهیم یافت.

استاد ارجمندم ، جناب دکتر فولادوند ، درود بر شما و سپاسگزارم از بابت آنهمه ناهمواریها و سختیها که تحمل کرده اید تا دانش و رشنائی را با صداقت تمام ، برای آگاهی و بیداری ما خفتگان تاریخ ارائه دهید و به ایرانمان سوگند که استقرار آئین ریشه ای راه نهائی ماست.

پا ینده ایران - پایدار و سرفراز باد آئین ریشه ای

انجمن نوشیروان - کانادا
دوشنبه، 23/09/2004

آدرس وب سایت انجمن:

www.noushirvan.org

email info@noushirvan.org

Tel / Fax : 1 - 877 - 416 - 0185